



دوقدم تالبخند

گردآوری، ترجمه و نگارش :
حسن آدینه زاده
زهرا حسینیان - سلماز بهگام

www.ketab.ir

سرشناسه: آدینه‌زاده، حسن، ۱۳۶۱-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: دو قدم تا لبخند/ گردآوری، ترجمه و نگارش
حسن آدینه‌زاده، زهرا حسینیان، سلماز بهگام.
مشخصات نشر: مشهد: ترانه مشهد، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۴۰۲ ص.
شابک: 978-964-5638-93-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های کوتاه- مجموعه‌ها

شناسه افزوده: حسینیان، زهرا، ۱۳۵۵-، مترجم

شناسه افزوده: بهگام، سلماز، ۱۳۵۹-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ل ۱۴۲ / ۱ □□

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۸۸۵۵۷

www.ketab.ir



دو قدم تا لبخند
حسن آدینه زاده
زهرا حسینیان - سلماز بهگام
ویراستار: محمود محبتی

چاپ بیست و پنجم - سال ۱۴۰۳

شمارگان : ۵۰۰ جلد

۲۸۰ هزار تومان

طراحی و صفحه آرایی: کمیل بیک، طراحی جلد: جواد موسوی

چاپ و صحافی: چاپ نیکو ۰۵۱-۳۸۵۴۴۰۷۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۳۸-۹۳-۹

کلیه حقوق برای انتشارات ترانه محفوظ است.

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب - تلفاکس: ۳۲۲۵۷۶۴۶

فهرست مطالب

۱۸.....	دست نگه دارید.....
۱۹.....	مقدمه.....
۲۱.....	داستان تمثیل گنجشک و خدا.....
۲۲.....	آخرین پیام مادر.....
۲۳.....	معجزه‌ی عشق.....
۲۶.....	چرا مرا دوست داری؟.....
۲۷.....	کسی که مانع پیشرفت شماست.....
۲۹.....	نامه‌ی چارلی چابلین به دخترش.....
۳۲.....	لحظه‌ای در ملکوت.....
۳۴.....	زنجیر عشق.....
۳۶.....	قله‌ی اورست.....
۳۷.....	گل سُرخ‌ی برای محبوبم.....
۴۰.....	چند خط برای زندگی از گابریل گارسیا مارکز.....
۴۱.....	نامه‌ی آبراهام لینکلن به معلّم پسرش.....
۴۲.....	حکمت خدا.....
۴۳.....	باورکن می‌توانی.....
۴۴.....	دوستی آن سوی سیم‌های خاردار.....
۴۹.....	درسی از ادیسون.....
۵۱.....	داستان مورد علاقه‌ی حضرت مسیح (ع).....
۵۳.....	درس‌های زندگی.....
۵۵.....	سیرک.....
۵۶.....	نامه‌ای کوتاه به همسرم.....
۵۸.....	علم و مسیح.....
۶۴.....	بیرکوهستان.....
۶۶.....	زندگی با بهترین عشق در دنیا.....
۶۸.....	نامه‌ای به خدا.....

۶۹.....	قسمتی از وصیت‌نامه‌ی ادوارد ادیش در سن ۷۶ سالگی.....
۷۲.....	لبخند زندگی بخش.....
۷۴.....	آرزوهای زیبای ویکتور هوگو برای شما.....
۷۶.....	فنجان قهوه.....
۷۷.....	دو رؤیای بزرگ.....
۸۰.....	گوژ پشت عاشق.....
۸۱.....	خدایا چرا من!.....
۸۲.....	دانشجوی ۸۷ ساله.....
۸۴.....	شما حاکم بر سرنوشت خویش هستید.....
۸۵.....	جواب خیانت.....
۸۶.....	نقاشی آرامش.....
۸۷.....	نجات از دریا.....
۸۹.....	درس‌هایی از دلایی لا مثاب.....
۹۰.....	مادر یک چشم.....
۹۲.....	شمایک شاهکار هستید.....
۹۴.....	راه دیگری را امتحان کن.....
۹۶.....	زن شوهر دوست.....
۹۷.....	کرگدن‌ها هم عاشق می‌شوند!.....
۱۰۰.....	به یاد داشته باش که من هرگز تو را رها نخواهم کرد.....
۱۰۱.....	الو مرکز.....
۱۰۶.....	آموخته‌های من.....
۱۰۸.....	نهایت عشق.....
۱۱۰.....	اسکناس.....
۱۱۱.....	ارزش یک لبخند.....
۱۱۲.....	تفکرات من در سنین مختلف در مورد پدرم.....
۱۱۳.....	نمی‌توانم!.....
۱۱۶.....	سقراط و فیلتر سه گانه.....
۱۱۷.....	شاد باشید.....
۱۱۸.....	دزدی که مأمور خدا بود.....

۱۲۰.....	خداوند از نگاه ملاصدرا.....
۱۲۱.....	عشق بی پایان.....
۱۲۲.....	عروسک.....
۱۲۴.....	دو راهب.....
۱۲۵.....	طلاق.....
۱۲۹.....	زندگی زیباست.....
۱۳۱.....	استاد جودو.....
۱۳۲.....	هزینه‌ی عشق.....
۱۳۳.....	بیسکویت.....
۱۳۵.....	مداد.....
۱۳۶.....	قوت قلب بخشیدن.....
۱۳۸.....	فرشته‌ای برای تو.....
۱۴۰.....	عشق و ازدواج چیست.....
۱۴۱.....	کلاس زندگی.....
۱۴۳.....	همین حالا دست به کار شوید.....
۱۴۶.....	نیکی به والدین.....
۱۴۷.....	معجزه.....
۱۴۹.....	فقیر... ثروتمند.....
۱۵۰.....	فرشته‌ی بیکار.....
۱۵۱.....	غروری که فاصله‌ها را رقم زد.....
۱۵۲.....	دختر پادشاه.....
۱۵۳.....	زخم‌های عشق.....
۱۵۴.....	استفاده از فرصت‌ها.....
۱۵۶.....	دزد و عارف.....
۱۵۸.....	سنجش عملکرد.....
۱۵۹.....	چرا زنان گریه می‌کنند.....
۱۶۱.....	دو فرشته.....
۱۶۳.....	مواظب باشید رؤیاهای‌تان را نذرند.....
۱۶۵.....	زیباترین قلب.....

۱۶۷.....	همچنان به جلو حرکت کنید
۱۷۰.....	بانک زمان
۱۷۱.....	نامه‌ی خدا حافظی استاد
۱۷۴.....	انتخاب کنید
۱۷۵.....	چیزهای کوچک زندگی
۱۷۷.....	گانندی
۱۷۸.....	ثروت کورش
۱۷۹.....	پیکاسو
۱۸۱.....	کلمه‌ی جادویی
۱۸۳.....	آن روز خواهد آمد
۱۸۴.....	نیایش
۱۸۵.....	ظهریک روز سرد
۱۸۶.....	انسان خوشبخت
۱۸۷.....	نشان لیاقت عشق
۱۸۸.....	یادبود
۱۹۰.....	اگر عمر دوباره داشتم
۱۹۲.....	کیف پول
۱۹۶.....	مردی که بازیگر شد
۱۹۷.....	راز موفقیت یک کشاورز
۱۹۸.....	لیوان آب
۲۰۰.....	معجزه‌ی دعا
۲۰۱.....	راز خوشبختی
۲۰۳.....	عجایب هفت گانه‌ی خلق
۲۰۴.....	پنج‌ره
۲۰۶.....	بچه‌ها
۲۰۷.....	راز زندگی
۲۰۸.....	خانم تامپسون
۲۱۱.....	مهمانی خدا
۲۱۲.....	اتومبیل

۲۱۴.....	آخرین امتحان.....
۲۱۶.....	قهرمان گلف.....
۲۱۷.....	درخت گلابی.....
۲۱۸.....	عاقبت اندیشی.....
۲۱۹.....	ترس از شکست.....
۲۲۰.....	تصادف.....
۲۲۱.....	حسرت.....
۲۲۲.....	میراث عشق.....
۲۲۴.....	متشکرم.....
۲۲۷.....	خواهییده بودم.....
۲۲۸.....	مهم ترین عضو من.....
۲۳۰.....	نشان حیات.....
۲۳۱.....	زیباترین چیز در دنیا.....
۲۳۳.....	انعکاس زندگی.....
۲۳۴.....	بیانو.....
۲۳۷.....	درک متقابل.....
۲۳۹.....	بازرگان.....
۲۴۰.....	کلاغ.....
۲۴۱.....	یک لیوان شیر.....
۲۴۳.....	قشنگ ترین دختری که تاکنون دیده ام.....
۲۴۴.....	مرا چه کسی آفرید؟.....
۲۴۵.....	شما یک شگفتی هستید.....
۲۴۶.....	پیاده روی طولانی.....
۲۴۹.....	فقط بگو سیب.....
۲۵۰.....	عکس العمل شما در مواجهه شدن با مشکلات.....
۲۵۱.....	جانشین پادشاه.....
۲۵۲.....	آیا خدا هست؟.....
۲۵۳.....	مهد کودک.....
۲۵۴.....	شمع امید.....

۲۵۵.....	دو خط موازی.....
۲۵۷.....	الماس.....
۲۵۸.....	پدر غمگین.....
۲۵۹.....	سه پیرمرد.....
۲۶۰.....	خوشبخت ترین ها.....
۲۶۱.....	بهترین روز زندگی.....
۲۶۲.....	معلم.....
۲۶۴.....	آنچه هستتید خود فریاد می زند.....
۲۶۵.....	کفش طلایی.....
۲۶۷.....	عشق نمی میرد.....
۲۶۸.....	دیوید.....
۲۶۹.....	یاس سفید.....
۲۷۱.....	قوی ترین مرد جهان.....
۲۷۲.....	کار کوچک، نتایج بزرگ.....
۲۷۳.....	ماهگیر ثروتمند.....
۲۷۴.....	قضاوت نکنید!.....
۲۷۶.....	پیرزن و خدا.....
۲۷۷.....	زندگی آبراهام لینکلن، رئیس جمهور سابق آمریکا.....
۲۷۹.....	تله‌ی موش.....
۲۸۱.....	مقصد زندگی.....
۲۸۲.....	پشت سر هر مرد بزرگ، زنی بزرگ است.....
۲۸۳.....	خدایا با من صحبت کن.....
۲۸۴.....	تقدیم به مادران.....
۲۸۷.....	چشمان کوچکی که به شما می نگرند.....
۲۸۸.....	نجار زندگی مان باشیم.....
۲۸۹.....	مرا فراموش نکنید.....
۲۹۰.....	دیوار شیشه‌ای ذهن.....
۲۹۱.....	هدیه.....
۲۹۲.....	یکی از بستگان خدا.....

۲۹۳.....	داستان دو شهر.....
۲۹۴.....	طناب یا خدا.....
۲۹۵.....	پسرک و پیرمرد.....
۲۹۶.....	گدای نابینا.....
۲۹۷.....	بچه های شما.....
۲۹۸.....	مادر بزرگ.....
۲۹۹.....	دست نوازش.....
۳۰۰.....	راه بهشت.....
۳۰۲.....	بهشت و جهنم.....
۳۰۳.....	اکیانوس کجاست؟.....
۳۰۴.....	آرزوهایی که حمام شدند.....
۳۰۵.....	دختر تنیل.....
۳۰۷.....	دعوی دخترک با مادر.....
۳۰۹.....	تغییر خود.....
۳۱۰.....	کودک باهوش و خداشناسی.....
۳۱۱.....	سم خودخواهی.....
۳۱۲.....	چرا خدا را فراموش کرده ایم!.....
۳۱۵.....	پسر مهربان.....
۳۱۶.....	درخت آرزو.....
۳۱۸.....	جهنم.....
۳۱۹.....	لیست زندگی من.....
۳۲۲.....	هدیه ی کریسمس.....
۳۲۴.....	اثر انجام کار خوب یا بد.....
۳۲۶.....	ترانه ای بخوان.....
۳۲۷.....	خودت باش.....
۳۲۸.....	کفش ها.....
۳۲۹.....	شرط عشق.....
۳۳۰.....	شجاعت.....
۳۳۱.....	یک email از طرف خدا.....

۳۳۳	یک جفت جوراب.....
۳۳۵	شام آخر.....
۳۳۶	قدرت کلمات عاری از مهر.....
۳۳۷	چهار زن.....
۳۳۹	ماجرای سه درخت.....
۳۴۱	عقاب در توفان.....
۳۴۲	دعای خیر پدرها.....
۳۴۴	نجات عشق.....
۳۴۵	روز مادر.....
۳۴۶	گل سرخی در درون.....
۳۴۷	جعبه‌ای برای عشق.....
۳۴۸	زودگذر.....
۳۴۹	آخرین برگ.....
۳۵۱	مراسم ختم اشتباهی.....
۳۶۱	آخرین آرزوی یک آتش نشان.....
۳۶۳	استجابت دعا.....
۳۶۵	دستان شکرگزار.....
۳۶۸	سنگ و ریگ.....
۳۷۰	جاده.....
۳۷۱	نامه ای به پدر.....
۳۷۲	وصیت نامه‌ی عجیب زنده‌یاد حسین پناهی (بازیگر سینما و تلویزیون).....
۳۷۳	چرچیل و راننده‌ی تاکسی.....
۳۷۴	شرط استخدام.....
۳۷۵	کامپیوتر.....
۳۷۶	تقلید.....
۳۷۷	نقش زن در پیشرفت همسر!.....
۳۷۸	ازدواج.....
۳۷۹	ماجرای خواستگاری آلبرت اینشتین.....
۳۸۰	برنارد شاو.....

۳۸۱.....	دعای کشیش.....
۳۸۲.....	زندگی.....
۳۸۴.....	دانشجو.....
۳۸۵.....	بیست سال پیش.....
۳۸۶.....	گاوچران.....
۳۸۷.....	ایمیل اشتباه.....
۳۸۸.....	آرزو.....
۳۸۹.....	پیرزن زرنگ.....
۳۹۱.....	فرق احمق و دیوانه.....
۳۹۲.....	چگونه باید یک خبر ناگوار را اطلاع داد.....
۳۹۴.....	فریب.....
۳۹۵.....	بازی.....
۳۹۷.....	الکساندر دوما و نمایندگان.....
۳۹۸.....	عمو سبزی فروش و امپراتوری.....
۴۰۱.....	کلام آخر.....
۴۰۲.....	برخی از منابع و مآخذ.....

مقدمه

«ای کاش دانسته بودم چگونه زندگی کنم یا کسی رایافته بودم

که روش زندگی را به من تعلیم دهد» تئودور پارکر

همواره قدرت عظیم وجود انسان را تحسین کرده و در برابر کارهای خارق العاده‌ای که انجام داده است، مبهور شده‌ام. زندگی انسان‌های موفق به قدری برایم هیجان انگیز و شگفت آور است که نمی‌توانم از شرح داستان‌های الهام بخش زندگی کسانی که متحول شده‌اند، قوای درونی خود را آزاد کرده و به اهدافی مهم در زندگی دست یافته‌اند خودداری کنم.

این مجموعه شامل داستان‌ها و زندگی‌نامه‌های پندآموزی است که معتقدم به شما الهام می‌بخشد و انگیزه می‌دهد که بدون قید و شرط عشق بورزید و با محبت بیشتری زندگی کنید. رؤیاهای قلبی خود را با اعتقاد بیشتری دنبال کنید. اگر تا به حال احساس بهرین‌بودن و رضایت از خویش را تجربه نکرده‌اید، این کتاب راه‌های عملی برای رسیدن به این آرزوهای‌تان را در اختیارتان قرار می‌دهد. اگر سختی‌ها و مشکلات زندگی به سوی کل بحال‌آوردن خود، اگر اعتقادات‌تان متزلزل شده است باز هم امید می‌رود با خواندن داستان‌های این کتاب آن قدر آگاهی بیابید که بتوانید از آن چه در زندگی‌تان رخ می‌دهد بهره‌مند شوید. خوب استفاده کنید.

این اثر صرفاً با این هدف نوشته شده تا به شما کمک کند زندگی شاد، رضایت بخش و ارزشمندی برخوردار گردید. از صمیم قلب و با تمام وجود عقیده دارم روش‌های مؤثر و مفیدی وجود دارد که با به کارگیری آن، انسان می‌تواند زندگی موفقیت آمیزی داشته باشد. هدفم آن است که این اصول را به گونه‌ای ساده، منطقی و قابل فهم ارائه دهم؛ به نحوی که شما بر اساس نیازهای خود و به کمک خداوند یگانه به زندگی و سرنوشتی که قلباً و عمیقاً آرزوی آن را دارید دست یابید.

چنانچه این کتاب را به طور دقیق و کامل مطالعه کنید و به داستان‌های آن توجه جدی مبذول دارید و به طور مستمر و خالصانه اصول و دستورالعمل‌های ارائه شده را به کار بندید، شاهد شکوفایی روحی شگفت‌آوری در درون خود خواهید بود.

از اینکه لطف فرموده این کتاب را تهیه کرده‌اید و زحمت مطالعه آن را متحمل می‌شوید، صمیمانه سپاسگزارم. به شما قول می‌دهم اگر با دقت و تأمل تا انتها آن را بخوانید مغیوب نخواهید شد.

حسن آدینه زاده

سرشار زندگی کنید و هر کجا که لازم
 بود خود را رها سازید؛ با همه‌ی وجود
 دوست پدارید و ترس را پس بزنید؛
 شکوه امیدوار بودن را لمس کنید و هرگز
 دست از رویاهای خود بر ندارید.
 موفقیت تنها زمانی از آن‌هاست که خود
 برگزینیم...
 انسان‌ها همان قدر موفق هستند که تصمیم
 می‌گیرند باشند.

آنتونی رابینز

داستان تمثیل گنجشک و خدا

«چه بسیار شود که چیزی را ناگوار شمارید،

ولی به حقیقت خیر شما در آن بوده است.»

سوره بقره، آیه ۲۱۶

روزها گذشت و گنجشک با خدا هیچ نگفت.

فرشتگان سراغش را از خدا می گرفتند و خدا هر بار به فرشتگان این گونه می گفت:

«می آید. من تنها گوشی هستم که غصه هایش را می شنود و یگانه قلبی هستم که دردهایش را در خود نگه می دارد».

سرانجام گنجشک روی شاخه ای از درخت دنیا نشست.

فرشتگان چشم به لب هایش دوختند، گنجشک هیچ نگفت و خدا لب به سخن گشود:

«با من از سنگینی سینه ی خود...»

گنجشک گفت:

«لانه ی کوچکی داشتم، آرامگاه حسنی ام بود و سر پناه بی کسی ام. تو همان را هم از من گرفتی. این توفان بی موقع چه بود؟ چرا می خواستی از لانه ی محقرم؟ کجای دنیا را گرفته بود؟»

و سنگینی بغض راه بر کلامش بست.

سکوتی بر عرش طنین انداز شد. فرشتگان همه سر به زیر انداختند.

خدا گفت:

«ماری در راه لانه ات کمین کرده بود. تو خواب بودی. به باد گفتم تا خانه ات را

واژگون کند. آنگاه تو از کمین گاه مار پرکشیدی.»

گنجشک خیره در خدایی خدا حیران مانده بود.

خدا گفت:

«و چه بسیار بلاها که به واسطه ی محبتم از تو دور کردم و تو ندانسته به دشمنی ام

برخاستی.»

اشک در دیدگان گنجشک نشست.

ناگاه چیزی در درونش فرو ریخت.

های های گریه هایش ملکوت خدا را پر کرد.